

منظومه‌ای برای همیشه قدیم سلیمانی

برای نامنه

سروده‌اشین علا
تصویرگری محمد حسین صلواتیان

پشکفتارناشر

”سربازنامه“ منظومه‌ای است حماسی، ملی و آئینی. تلفیقی از اسلوب متون منظوم فارسی پیرامون افسانه‌ها و اساطیرباستان، و آموزه‌های دینی و انقلابی امروز ایران زمین.

با این تفاوت که روایت این منظومه، نه بازنویسی افسانه‌های دوردست و کهن است، و نه قهرمان آن، اسطوره‌ای خیالی. داستان سربازنامه، صرف‌نظر از آرایه‌ها و استعاره‌های شاعرانه، روایتی مستند و واقعی از حماسه‌هایی است که در سال‌های اخیر پیش چشم ایرانیان و جهانیان به وقوع پیوسته است. قهرمان آن نیز سردار عاشق و مجاهدی است که پاره‌ی تن ایرانیان این روزگار و نماد اقتدار و امنیت این آب و خاک بود. شهید جاودانه‌ای که به دلیل مبارزه‌ی بی‌امان با خون‌خوارترین دشمنان بشریت، نه فقط نزد ایرانیان محبوبیتی بی‌نظیر داشت، که پشت و پناه ملت‌های مظلوم منطقه بود. ملت‌هایی که در برابر هجوم داعشیان دست پرورده‌ی غرب، اسرائیل و برخی حاکمان وهابی عرب، جز جمهوری اسلامی ایران، رهبر نستوه انقلاب و خیل مجاهدان جان برکف ایشان، حامی و دادرسی نداشتند. در این میان قاسم سلیمانی نماد اراده‌ی رهبر و امت اسلامی مبنی بر سازش‌ناپذیری در برابر جانیان متجاوز شد. اراده‌ی الهی و آهنین که به درهم پیچیده شدن پرچم جعلی اسلام‌خواهی داعشیان و رسوایی حامیان غربی آنان انجامید. اما به قیمت جان صدها رزمنده‌ی صاحب‌دل و بی‌پاک، که نام حاج قاسم در صدر فهرست اسامی پرافتخار آنان تا ابد خواهد درخشید.

بی شک چنین حماسه‌ای نمی‌توانست از چشم و جان و قلم اهالی وادی هنر و ادبیات معاصر پنهان بماند. پس اشعار و نوشته‌های بی‌شماری در وصف حماسه‌ی آن جان مشتاق شهادت، سروده و نگاشته شد. منظومه‌ی حاضر، یکی از آن بسیار است که با بهره‌گیری از تمثیلی اسطوره‌ای توانست میان تخیل و واقعیت پلی بزند. شاعر انقلاب افشین علادراین مثنوی بلند هم به حماسه‌های کهن ایرانیان اشاره می‌کند و هم به شکل‌گیری نهضت اسلامی ۵۷ و سال‌های دفاع مقدس گریزی می‌زند. آنگاه به ترسیم شاعرانه‌ای از وضعیت سال‌های اخیر ایران و منطقه می‌پردازد و صف‌آرایی جبهه‌ی حق و باطل را به تصویر می‌کشد و پس از این مقدمه، به سراغ قهرمان اصلی روایت خویش یعنی قاسم سلیمانی می‌رود و شرح حالات عارفانه و مجاهدت‌های عاشقانه‌ی او را به نظم می‌کشد. اما آنجا که این حماسه‌ی غرورآفرین به شهادت ناجوانمردانه‌ی قهرمان روایت می‌رسد، همچون عزیز از کف دادگان، نوحه سر می‌دهد و با بهره‌گیری از ظرایف احساسات شاعرانه و مضامین باریک‌بینانه و استعاری، عظمت غم فقدان آن جان جهان و یگانه‌ی دوران را به یادها می‌آورد و خواندن این اثر حماسی را با چاشنی خون دل و آب دیده در هم می‌آمیزد. هرچند پس از این نوحه‌سرایی جان‌گداز، باز همنوا با ملت قهرمان ایران از امید می‌گوید و خبر از فردای روشنی می‌دهد که فرجام ناگزیر نبرد حق و باطل است.

انتشارات مکتب حاج قاسم